

**مجتبی احسانی؛** کارگردان و تهیه‌کننده مشهدی است. او متولد ۱۳۶۵ شمسی است و کارشناسی گرافیک دارد. تخصص خودش در تولید آثار مستند تدوین است. او همچنین کارگردانی مجموعه «نسیم آبادی» را هم بر عهده داشته که در ۳۰۰

قسمت تولید و پخش شده است. درباره مدافعان حرم نیز در کارنامه او نام «چشم به راه» و نیز کار درخشان «نه کوچک نه بزرگ» به چشم می‌خورد. احسانی همچنین سال ۱۳۹۹ اثری متفاوت با عنوان «گلشهر» را همراه با **هاشم مسعودی** ساخت که تلاش‌های سلامت‌محور یکی از رزمندگان فاطمیون به نام «سید اسدالله سعادت» را برای مبارزه با شیوع ویروس کرونا با همراهی سایر افغانستانی‌های ساکن محله گلشهر مشهد، به تصویر می‌کشد.

اگر بخواهیم روایتی برای امروز از لابه‌لای گنجینه بزرگ مدافعان حرم و به خصوص شهدا و رزمندگان لشکر فاطمیون پیدا کنیم، کار سختی نیست. بله، آن‌ها برای امروز ما هم حرف دارند. به خصوص شهدای گرانقدر که اعتقاد داریم

زنده‌اند و نزد پروردگار متعال روزی داده می‌شوند. این تعارف نیست که شهدا زنده‌اند و هر روز پيامی برای ما دارند. ما بیش از سه‌دهه است دفاع مقدس را روایت می‌کنیم و هر روز قصه‌های جدید و اتفاقات جدیدی از دل آن بیرون کشیده می‌شود و نکته مهمش آن است که مردم هم از آن خیلی استقبال می‌کنند. شاهد مثال این نکته را جشنواره فیلم فجر امسال می‌دانم که چندین اثر از زوایای مختلف به دفاع مقدس و شهدای آن پرداختند و با این تنوع توانست قهرمان‌پروری خوبی کند. در ماجرای مدافعان حرم نیز همین شرایط را داریم که درباره بخش‌های مختلف آن می‌شود سوژه معرفی کرد و قصه گفت.

به واسطه اتفاقات چند سال اخیر و حضور گروه‌های مختلف در خط نبرد اصلی با دشمنان اسلام ناب که فاطمیون یکی از آن‌ها هستند، طبیعی است روایت‌های زیادی شکل گرفته که نشنیده‌ایم و خواننده‌ایم. شاید اصلاً نرفته‌ایم سراغشان و یا نخواستند آن را گفته باشند، اما برای امروز ما مهم است و درس دارد. بخشی به این برمی‌گردد که ضرورت دارد زمان بگذرد تا کم‌کم مباحث و مطالب گفته شود. به طبع رسالت رسانه همین است که با خلق آثار جذاب هنری و داستانی، این اتفاق را در ابعاد و قالب‌های مختلف رقم بزند. مکرر از دوستان شنیدیم که حاج قاسم عزیز مطالبه داشته هنوز معادلات صحنه و میدان سوریه و حضور گروه‌های مختلف در اینجا برای مردم به شکل مشخص و مبرهن تبیین نشده است. شاید ایراد بزرگی که با آن مواجه هستیم را بشود به بحران هویتی گروه‌های مقاومت تعبیر کرد و این سبب شده ما اثرگذاری رسانه‌ای را واگذار کنیم. ما نیاز داریم تبیین کنیم، دلایل مختلف را عنوان کنیم و در یک کلام مخاطب را درست و کامل آگاه کنیم دارد چه اتفاقی می‌افتد و حقیقت مستند و مشخص وقایع چیست؟ کلیدواژه دفاع از حرم با تمام بار زیبایی معنایی‌اش، وجه احساسی را غالب کرد، نه تبیین رسانه‌ای. همین حالا اگر در سوریه یا عراق بررسی کنیم، بخش قابل توجهی از افکار عمومی نسبت به جمهوری اسلامی نگاه مثبتی ندارند. اگر امروز هم بخواهیم به این مسیر ورود درستی داشته باشیم، درست است که فرصت‌ها و زمان زیادی را از دست دادیم، ولی باز هم مغتنم است. اصلاً آنچه اکنون از فاطمیون در جامعه وجود دارد، با همه ضعف‌هایی که بوده و هست، برگرفته از همین تلاش‌های رسانه‌ای است. بارزترین نمود آن، آثاری است که جشنواره سینماحقیقت میزبان آن بود و البته هنوز ناگفته‌ها بسیار است و شاید نیمی از راه را باید تلاش کنیم تا عقب‌ماندگی‌ها جبران شوند. اگر عقبه افراد، انگیزه‌ها، روحیات و شرایطی که سبب می‌شود یک نفر تصمیم بگیرد راهی سوریه شود و یکی از مدافعان حرم را برای مخاطب همان‌طور که بوده انعکاس دهیم، دیگر لازم نیست نگران شبهاتی باشیم که معاندان تولید می‌کنند. به همین خاطر پیشنهاد بنده ساخت کارهای داستانی و نمایشی قوی و حتی آثار سینمایی جذاب است که اگر برگرفته از روایت‌های واقعی باشد، حتماً اثرش را بر طیف وسیعی از مخاطبان خواهد گذاشت. ما تنوع در شکل روایت را طوری لازم داریم که فرهنگ مقاومت را برای همه مخاطبان منعکس کند. شاید کارهای اکشن مانند آثار هالیوودی همچنان انگیزتر به نظر بیایند، ولی تجربه آثاری که دهه ۷۰ شمسی درباره دفاع مقدس ساخته شد، نشان می‌دهد ما از همین زاویه گیر افتادیم و آن‌طور که باید نگاه همه‌جانبه و جامع به جنگ تحمیلی و دهه ۶۰ در جامعه و برای نسل‌های جدید بازنمایی نشد.

از سمت چپ  
احسانی و مسعودی

